

کتابهای تازه

کتاب «کوروش بزرگ و عصر وی» بقلم دانشمند پارسی هند، آقای شاپور منجرا دستور که بمناسبت جشن ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران در بمبئی چاپ و منتشر شده است توسط آقای دکتر مهدی غروی معاون رایزنی فرهنگی و سرپرست خانه فرهنگ ایران در بمبئی بدفتر مجله واصل گردید، این کتاب را آقای دستور در سال ۱۹۲۹ بعنوان پایان نامه فوق لیسانس خود گردآوری کرده و نسخه اصلی و خطی آن در کتابخانه مؤسسه گاما نگهداری میشود و در سال ۱۹۷۲ بمناسبت سال کوروش بزرگ بچاپ رسیده است.

مؤلف در این کتاب نظریه و دلائلی را اقامه میکند که با نظرات مورخ یونانی (هردوت) تفاوت کلی دارد و آقای دکتر مهدی غروی شرح موجز و مفیدی در مورد کتاب نوشته و برای ما گسیل داشته اند که اینک ضمن تشکر از ایشان برای اطلاع خوانندگان مجله بررسیهای تاریخی عین نوشته آقای دکتر مهدی غروی بچاپ میرسد.

بررسیهای تاریخی

Cyrus The Great

And His Times

By Shapur H. Manjra Dastoor

معرفی کتاب :

کوروش بزرگ و عصر وی
بقلم: شاپور منجرا دستور

شاپور منجرا دستور، بلسار، هند، ۲۵۶، شانزده صفحه مصور بمناسبت جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران در فوریه ۱۹۷۲ در بمبئی چاپ و انتشار یافته است.

با فرا رسیدن سال ۱۳۵۰، سال کوروش بزرگ، پارسیان هند خود را برای بزرگداشت هر چه بیشتر این رستاخیز تاریخ ایران آماده ساختند، این اقلیت کوچک ساکن شبه قاره هندوستان و پاکستان که از کراچی تا

بمبئی پراکنده‌اند، خود تاریخی درخشان دارند اینان که از ظلم و جور غاصبان فراری شدند در هند برای خود جای بسیار مطلوبی بدست آوردند، هزار سال پس از ورود پارسیان بهند، در بمبئی پارسیان چنان قدرت و محبوبیت یافتند که در میان این ملت بزرگ شرق در هیچ رشته‌ای از علم و هنر و ادب و اقتصاد و قانونگذاری و سپاه‌یگری کسی بر ایشان پیشی نداشت و پادشاهان برادران دیگر خود در هند جلو رفتند، اما آنچه پارسیان هند را بزرگ و دوست داشتنی کرد ارزشهای انسانی ایشان است. روزی که ملکه ویکتوریا عالی‌ترین نشان افتخار را به سرجمشید بی‌بی بوی پارسی نیکوکار اهداء کرد، نزدیکانش خرده گرفتند و بوی گفتند که در قلمرو امپراتوری بریتانیا بسیارند کسانی که از سرجمشید نام آورتر و پرثمرترند، وی پاسخ داد که شما حجم اقلیت زرتشتی هند را نسبت به دیگر فرق تابع امپراتوری بسنجید تا به عظمت روح و بزرگی معنوی سرجمشید پی ببرید.

پارسیان، هنوز که هنوز است پایه زندگی‌شان بر شعار ملی و مذهبی ایرانیان قدیم، پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک استوار است.

در جشن بزرگداشت ۲۵۰ سال شاهنشاهی ایران پارسیان بمبئی نیز پسا-خاستند و درین رویداد تاریخی هر چه از دستشان برمی‌آمد انجام دادند، جشن‌ها گرفتند، مقاله‌ها نوشتند و زندگی پرثمر کوروش بزرگ را بروی صحنه آوردند، در این میان در شهر کوچک و دور افتاده، بلسار از بلاد گجرات هند، پیرمردی که چهل سال از عمرش را به تدریس و مدیریت مدرسه گذرانده است دست بکار جالبی زد و برای نخستین بار در جامعه پارسیان هند کتاب مستقلی در باره کوروش نوشت، بعبارت بهتر کتابی را که چهل سال پیش نوشته بود با همت و کمک پارسی‌نیک سرشت دیگری بچاپ رساند، شاپور منجرادستور در سال ۱۹۲۹ هـ. ش که فوق لیسانس خود را از دانشگاه بمبئی میگرفت این رساله تحقیقی پرثمر را بعنوان پایان‌نامه تحصیلی کرد-آوری کرد که با درجه بسیار خوب پذیرفته شد. در آن زمان پارسیان هند

کورش و داریوش و دیگر شاهنشاهان هخامنشی را خوب نمیشناختند، اینان هنوز هم تاریخ ایران باستان را بر مبنای پیشدادیان و کیانیان استوار میدانند و هرگز دوست ندارند که کسی این سلسله های باستانی ایران بزرگ را افسانه بداند.

این کتاب، که نسخه اصلی دستنویس آن در کتابخانه مؤسسه کاما نگهداری میشود، بمناسبت فرارسیدن سال کورش بزرگ و جشن ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران به پایمردی خانواده چمار باغ والا در بمبئی بچاپ رسید، دکتر آنزویات ایرانی که همه مردم بمبئی او را بخوبی می شناسند و سالهاست ریاست انجمن زرتشتیان را بر عهده دارد برین کتاب پیشگفتاری جامع نوشت و ترجمه انگلیسی سخنان شاهنشاه آریامهر که در برابر آرامگاه کورش بزرگ در روز گشایش جشن ادا شد زینت بخش نخستین صفحات کتاب گردید.

اصل کتاب شامل مقدمه مصنف، ده فصل و سه ضمیمه است، شش فصل از کتاب و هر سه ضمیمه مربوط است به وضع حکومت بابل و سقوط آن به پایمردی کورش، واقعه ای که در تاریخ جهان قدیم کم نظیر و بلکه بی نظیر است. درین کتاب از دید یک زرتشتی به تاریخ باستانی ایران نگریسته میشود و مؤلف در عین حال که کوشش دارد این مؤسس بزرگترین سلسله ایران باستان را با توجه به سلسله های اساطیری بشناساند از تعصب و افراط نیز بر حذر است، و در پایان فصل نخست کتاب خود، پس از بحث جالبی که درباره مطابقت سلسله کیانیان و هخامنشیان دارد و در آن کیخسرو و کورش را مقایسه میکند چنین مینویسد: بدلائل مذکور در فوق کیانیان و هخامنشیان دو سلسله پادشاهی مختلف بوده اند و کیخسرو کیانی کیخسرو هخامنشی نیست، اینان هر یک به سلسله ای متعلق بوده اند که در سرزمین خاص خود در آسیای بزرگ سلطنت داشتند و از لحاظ عصر و زمان نیز با هم وحدت و توافق نداشته اند.

نحوه تحقیق نویسنده نیز قابل توجه ودقت است ، در فصل دوم کتاب که عنوان آن زندگی کوروش پیش از رسیدن به سلطنت است ، پس از ذکر افسانه‌هایی که در باره تولد ونوجوانی کوروش ثبت وضبط شده ، روایت هر دوت و گزنفون را نقل و با هم مقایسه میکند ، سپس با در نظر گرفتن دیگر روایات اعلام میدارد که هر دوت در ذکر وقایع مربوط به پایه گذاری سلسله هخامنشی نظرهای خاص داشته وروایتش خالی از سوءنیت نیست، در آنجا که معتقد میشود و تأکید میکند که کوروش برای تأسیس سلسله هخامنشی مادها را برانداخت ، در حالیکه طبق روایت گزنفون صرفنظر از اظهارنظرهای شخصی وخصوصی ، این استنباط حاصل میگردد که سلطنت هخامنشی چیزی جز ادامه سلسله ماد نبود، چون در میان جانشینان آستیاگ کسی لایق‌تر از کوروش وجود نداشت ، کوروش جانشین پدر بزرگش شد واین سلطنت را بدون خونریزی به‌چنگ آورد ، بدیهی است آینده و بررسیهای تاریخی ، بیشتر این واقعیت بزرگ را روشن خواهد ساخت اما تأکید این مطلب که کوروش بروی پدر بزرگش شمشیر کشید و سلسله اجداد مادری خود را بر انداخت و باز گو کردن آن و پذیرفتن آن بدون قید و شرط شایسته نیست .

یک فصل کتاب نیز بزندگی اجتماعی عصر کوروش ، از جمله مذهب وی که بسیار مورد علاقه وتوجه زرتشیان است اختصاص داده شده ودرینجا هم دستور هرگز زرتشتی بودن کوروش و دیگر پادشاهان هخامنشی را پذیرفته و بارعایت بیطرفی کامل به بررسی عقاید مذهبی این پادشاه پرداخته است .